انالله و انا اليه راجعون

با درود فراوان به رهبر كبير انقلاب و با سلام بر شهيدان از صدر اسلام تا كربلاي ايران و با درود و سلام به رزمندگان عزيز در جبهه هاي حق عليه باطل كه در جبهه هاي حق عليه باطل حماسه مي آفرينند و مملكت خود را از دست بعثيان متجاوز نجات ميدهند و در ضمن عرايضم وصيت خود را كه آخرين وصيتنامه است آغاز ميكنم اين وصيتنامه را در حالي مينوسم كه خود با دست خود و با خوشحالي تمام كه عاشق قبر شش گوشه حسين (ع) بودم و ميخواستم بروم و قبر شريفش را زيارت كنم اين وصيتنامه را نوشتم باري اي خانواده شهدا ما مي رويم و مي جنگيم و انتقام فرزندان شما و برادران خودمان را از بعثيون كافر بگيريم ما مي جنگيم كه قرآن و اسلام عزيز و رهبر كبيرمان فرمايشات علي گونه ايشان را در همه جهان به اثبات برسانيم باري برادران عزيز رزمندگان عزيز دنيا و تمام مستضعفين به انقلاب جمهوري اسلامي ايران چشم اميد دارند و فرمايش امام كه فرموده اندپيروزي از آن ماست .

اي پدر عزيزم و مادر مهربانم اميدوارم مرا ببخشيد چون كه نتوانستم براي شما فرزندي لايق باشم اميدوارم شما در شهادت من زياد ناراحت نباشيد اي مادرم مادر مهربانم در شهادت من زياد گريه نكنيد چون منافق كوردل از گريه شما شاد ميشود من راه علي اكبر را مي روم خونم كه رنگينتر از خون علي اكبر نيست اي برادرانم عزيزانم اميدوارم كه شما هم در شهادت من زياد ناراحت نباشيد و اسلحه من را بدست گرفته و با صداميان بجنگيد و امام عزيزمان را تنها نگذاريد اي خواهران مهربانم اگر از من ناراحتي ديده ايد حلال كنيد و كه من براي شما برادر لايقي نبودم ولي من مگر از علي اكبر و قاسم عزيزترم شما مثل زينب و كلثوم استوار و محكم باشيد و در برابر منافق خود را مظلوم نشان ندهيد درست است كه ما در دنيا مظلوم واقع شده ايم ولي پيش خدا مقام مظلومان بيشتر است و در ضمن اي پسر عموها پسر دايي ها و پسر خاله ها و اي اقوام مهربانم و اي روستاييان عزيز و اي دوستانم مرا حلال كنيد و اگر ناراحتي از من ديده ايد به بزرگي خودتان حلالم كنيد مي دانم ناراحت نيستيد اي برادران عزيزم تا آخرين قطره خونمان از مملكت اسلامي و قرآن دفاع خواهيم كرد

اين شعر را براي يادگاري مي نويسم :

فرق من و پروانه دو چيز است در عالم پروانه پرش سوخت ولي من جگرم سوخت

خدايا خدايا تا انقلاب مهدي خميني را نگهدار